

ایران؛ تمدن راه‌ها

www.ketab.ir

دکتر شروین وکیلی



انتشارات خوشبین

سرشناسه	:	وکیلی، شروین، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	:	ایران: تمدن راه‌ها / مولف شروین وکیلی
مشخصات نشر	:	تهران: خوشبین: ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۴۷۹ ص: نقشه (رنگی)
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۷۱۹۴-۲۶-۶
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه: ص (۳۷۵) - ۳۷۹.
عنوان دیگر	:	تمدن راه‌ها
موضوع	:	تمدن ایرانی -- تاریخ
موضوع	:	Civilization, Iranian -- History
موضوع	:	تمدن -- تاریخ
موضوع	:	Civilization -- History
رده‌بندی کنگره	:	DSR۶۳
رده‌بندی دیویی	:	۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۷۵۴۰۲۱۷



انتشارات خوشبین

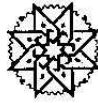
تهران، سعدی شمالی، خیابان قائم‌دی، کوچه عشقی، بن‌بست ثابت‌قدم، پلاک ۴، واحد ۱
تلف: ۷۷۵۱۲۱۱۶-۱۷

ایران: تمدن راه‌ها

شروین وکیلی

ناشر	:	انتشارات خوشبین
ویراستار	:	علیرضا افشاری
صفحه‌آرایی	:	شهره آذریوندپور
نماینده	:	به‌نوش عافیت‌طلب
طرح جلد	:	زهره حیدری
نوبت چاپ	:	اول ۱۴۰۰
چاپ و صحافی	:	پردیس دانش
تیراژ	:	۱۰۰۰ جلد
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۷۱۹۴-۲۶-۶

این کتاب با پشتیبانی و دهش خانم زهرا کاظم‌زاده
امکان انتشار یافته است.



فهرست

- پیش درآمد: پرسش از تمدن‌ها ۷
- بخش نخست: روش‌شناسی فهم تمدن‌ها**
- گفتار نخست: دیدگاه زروان ۱۷
- گفتار دوم: تکامل پیچیدگی و زیست‌جهان ۲۵
- گفتار سوم: «فراز» و «قلیم» ۳۳
- گفتار چهارم: بازی‌های تکاملی و «قلیم» ۴۱
- بخش دوم: نظریه‌ی تمدنی**
- گفتار نخست: تمدن چیست؟ ۵۵
- گفتار دوم: تمدن به مثابه پاسخی به تنش‌های بنیادین ۷۱
- گفتار سوم: تمدن و زیست‌جهان ۸۵
- گفتار چهارم: پیوند تمدن و فرهنگ ۸۹
- گفتار پنجم: اقتصاد ماده و انرژی در تمدن‌ها ۱۱۸
- بخش سوم: تنوع تمدن‌های انسانی**
- گفتار نخست: سرشماری تمدن‌ها ۱۴۱
- گفتار دوم: تمایزهای ساختاری میان ایران و انیران ۲۰۶
- گفتار سوم: تمدن‌ها و مفهوم محوری‌شان ۲۱۵
- گفتار چهارم: مفهوم محوری در تمدن اروپایی ۲۳۴
- گفتار پنجم: نقاط عطف تاریخی در تکامل تمدن‌ها ۲۵۴

۲۷۱	 گفتار ششم: ایران و داستان زوال چین
۲۸۶	 گفتار هفتم: ایران و داستان فراز آمدن اروپا
	بخش چهارم: بازشناسی تمدن ایرانی
۳۳۱	 گفتار نخست: نگاهی کلان‌نگر به ایران‌زمین
۳۴۷	 گفتار دوم: حد و مرزهای تمدن ایرانی
۳۷۵	 گفتار سوم: شاخص‌های یگانگی تمدن ایرانی
۳۸۵	 گفتار چهارم: آزادی و نهادهای ایرانی
۳۹۷	 گفتار پنجم: پیوندگاه‌های بیناتمدنی
۴۰۹	 گفتار ششم: بازرگانی در برابر جنگ
۴۳۱	 گفتار هفتم: ایران، تمدن راه‌ها
۴۴۵	 گفتار هشتم: ایران، سرزمین مهر
۴۵۵	 کتاب‌نامه
۴۶۱	 نمایه

پیش‌درآمد: طرح پرسش از تمدن

گونه‌ی انسان خردمند (*Homo sapiens*) جوان‌ترین جانور متمدنی است که بر سیاره‌ی ما تکامل یافته است. اگر «تمدن»^۱ را با نشانه‌هایی عینی و تجربی مثل زندگی اجتماعی، شهرسازی، دستکاری محیط زیست، کشاورزی و دامپروری تعریف کنیم، مهم‌ترین جانداران متمدن کره‌ی زمین مورچگان و سایر حشرات اجتماعی هستند.

اگر از پنجره‌ی تنگ خودینی دست بکشیم و به کل چشم‌انداز جوامع زمینی بنگریم، انسان را نوآمده‌ای غریبه و تازه‌واردی خواهیم دید که در این میان خواهیم یافت. با این همه، آدمیان در نظام اجتماعی خود دو رکن مهم پدید آورده‌اند که احتمالاً همتایی در جانوران متمدن دیگر ندارد:

الف) زبان طبیعی که دستگاه نمادین عامی است با قواعد گشتاری - زایشی^۲، برای تبادل معنا؛

ب) بازرگانی که نظام گسترش‌یافته‌ای است برای تبادل کالا.

به بیان دیگر، حضور سیستم‌های عام و نمادین برای تبادل «معناها» و «چیزها» مبنای شکل‌گیری تمدن انسانی است. این دو افزوده‌هایی استثنایی و ویژه‌ی گونه‌ی آدمی هستند بر شالوده‌ی بنیادین زندگی اجتماعی یکجانشینانه، که همانا تمدن جانوری باشد. زبان طبیعی و بازرگانی شرط لازم یا کافی برای ظهور تمدن نیستند، اما در ترکیب با هم

1. Civilization

2. گشتاری - زایشی (*transformational generative*) تعبیری است که نوآم چامسکی باب کرده، و منظور از آن ویژگی دستوری زبان طبیعی است؛ که قواعد پایدار صرف و نحو دارد و می‌تواند با شماری محدود از واژگان، بی‌شمار گزاره‌ی معنادار تولید کند.

پدیدارهایی جالب توجه مانند فرهنگ و هنر را پدید می‌آورند که به تمدن‌های انسانی جلوه‌ای متمایز می‌بخشد.

با این حال باید در گام نخست به این نکته توجه کرد که مفهوم عام «تمدن» را با این نمودهای ویژه نمی‌توان تعریف کرد. باید به دنبال درکی طبیعت‌گرایانه‌تر و عینی‌تر از آن بود، و این خود به خود تمدن‌های انسانی را در میانه‌ی دامنه‌ای وسیع از تمدن‌های جانوری جای می‌دهد. عناصر مهمی مانند معماری و شهرسازی و راه‌سازی و رام کردن گیاهان و جانوران در حشرات اجتماعی هم دیده می‌شود. متغیرهای جذابی مثل تولید هنر و ادبیات و اسطوره هم چندان پیچیده و نرم‌افزاری هستند که تشخیص دادن‌شان در جوامعی بیگانه دشوار است. تا جایی که از نظرگاه گونه‌ی ما معلوم است، انگار تمدن‌های موفق و پایداری که مورچگان و موریانگان و زنبوران بنیاد کرده‌اند، از خلاقیت فرهنگی و هنری پیچیده‌تری باشد. از آن‌سو گونه‌هایی غیراجتماعی (به‌ویژه در پرندگان) داریم که رفتارهایی از این دست را در قالب رقص و آواز و آراستن محیط نمایش می‌دهند، بی‌آن‌که تمدنی داشته باشند.

از این‌جا برمی‌آید که بر خلاف تصور مرسوم «الگوهای جالب رفتاری» مثل هنر و زبان و فرهنگ پیچیده را نباید از ملزومات طبیعی تمدن دانست و باید به این هم توجه داشت که این‌ها بی‌شک در انحصار گونه‌ی انسان نیستند. برای فهم ماهیت تمدن، باید به نقاطی نگریست که در میان انسان و گونه‌های اجتماعی دیگر مشترک است و هم‌چون شرطی ضروری برای تکامل پیچیدگی در این سطح عمل می‌کند. بر این مبنا چنین می‌نماید که ارکان اصلی شکل‌گیری تمدن‌ها دوقطبی مهم «شهر - راه» باشد، نه عناصری مثل زبان انسانی یا اساطیر و دین و هنر. یعنی هر جا شهر - راه می‌بینیم، تمدنی هست و هر جا نمی‌بینیم، دست‌بالا جامعه‌هایی ساده در مرتبه‌ی پیشاتمدنی داریم. این محورهای تمدن‌ساز البته در همه‌ی جوامع انسانی به یک اندازه توسعه نیافته‌اند.

می‌توان در بیانی ساده‌شده گفت که شهر انسانی عبارت است از مکان استقرار جمعیتی بزرگ (بسته به چارچوب‌های نظری، بالای دو یا پنج هزار نفر) که زمانی دراز

(بالای سه تا پنج قرن) پایدار باقی بماند. در جوامع گوناگون شمار و بزرگی شهرها با هم فرق می‌کند و تراکم راه‌ها و درجه‌ی اتصال مراکز شهری به همدیگر نیز فراز و فرودهای بسیار دارد.

بر اساس همین دو متغیر شهرنشینی و راه‌سازی است که فرهنگ انسانی شکوفا می‌شود، یا بدوی باقی می‌ماند. جوامع انسانی بسته به سطح شهرنشینی‌شان ممکن است به درجه‌های متفاوتی نویسا باشند و شمار و دامنه‌ای اندک یا فراوان از زبان‌های محلی را در خود جای دهند. به همین ترتیب، برخی‌شان بازرگانی پیچیده و راه‌سازی گسترده را پشتیبانی می‌کنند و برخی نمی‌کنند. با این حال، امکان دستیابی به این عناصر است که جوامع انسانی را از شهرهای مورچگان و موریانگان یا کندوهای زنبوران متمایز می‌سازد و پیچیدگی و پویایی چشم‌گیری به زیست‌جهان آدمیزادگان می‌بخشد.

مفهوم «تمدن» در معنایی که امروز به کار گرفته می‌شود، مدرن است و نوساخته. در واقع این کلمه‌ای است که طی دو قرن گذشته در جریان شکل‌گیری گفتمان‌های مدرن پدید آمده تا استعمار و استیلای غرب بر دیگر نقاط جهان را توجیه کند. تا پیش از آن برابر نهادهای سنتی دیگری برای آن داشته‌ایم که هیچ‌یک دقت علمی و هم‌چنین بار ایدئولوژیک و سیاسی «تمدن» را در تعبیر امروزینش نداشته‌اند. مفهوم تمدن به‌ویژه طی دهه‌های گذشته موضوع کشمکش‌های نظری فراوان بوده است. این که در جوامع گوناگون کدام صاحب تمدن است و کدام نیست و این که قدمت هر تمدنی به چند قرن و چند هزاره بالغ می‌شود، پرسش‌هایی سرنوشت‌ساز هستند که در دنیای امروز مشروعیت تاریخی و اعتبار سیاسی ملت‌ها را تعیین می‌کنند.

با این حال کلیدواژه‌ای چنین مبهم، به شکلی شگفت‌انگیز، مبهم و نارسا و گاه تخیلی تعریف شده است. کتاب‌ها و مقاله‌های فراوانی از اندیشمندان فرهیخته و زیرک در دست داریم که هزاران کلمه درباره‌ی تمدن داد سخن داده‌اند، بی‌آن‌که دقیقاً معلوم باشد درباره‌ی چه چیزی سخن می‌گویند، یا اعتبار قضاوت‌هایشان در این مورد را از کجا می‌آورند. به

بیان دیگر، مفهوم مدرن «تمدن» به همان اندازه که مهم و سرنوشت‌ساز است، مبهم و مه‌آلود هم هست.

در آثار نویسندگان گوناگون تعبیرها و تفسیرهایی متفاوت از مفهوم تمدن می‌توان یافت، و هر یک پرسش‌هایی کلیدی را برای پژوهش علمی در این زمینه پیشنهاد کرده‌اند. یکی از کتاب‌های روزآمد و خوبی که در این زمینه به پارسی برگردانده شده و جمع‌بندی خوبی از بحث‌های جاری در این میدان به دست می‌دهد، نوشته‌ی یوهان آرناسون^۱ است. آرناسون پرسش‌هایی را که یک نظریه‌ی تمدنی باید بدان‌ها پاسخ دهد در این شش گزاره خلاصه کرده است:^۲

نخست: بنیادهای فرهنگ چیست؟

دوم: عناصر هویت‌ساز چطور بر مبنای شباهت و تفاوت سازمان می‌یابند؟

سوم: چگونه تمدنی با تمدن‌های دیگر وارد ارتباط می‌شود؟

چهارم: ظرفیت یکپارچگی تمدن‌ها از کجا می‌آید؟

پنجم: نسل‌های پیایی چطور تمدنی یکسان را بازتولید می‌کنند؟

ششم: تمدن‌ها چطور در زمان و مکان بسط می‌یابند؟

سه پرسش نخست آرناسون به ساختار سیستم‌های اجتماعی مربوط می‌شود و بازتولید نظام‌های انسانی در مکان و تأسیس جغرافیا را در پی دارد. سه تای دوم به کارکرد سیستم تمدنی در محور زمان ارجاع می‌دهد و زایش تاریخ را ممکن می‌سازد. آرای آرناسون در ادامه‌ی نوشتارهای کاستوریادیس^۳ قرار می‌گیرد که دشوار بتوان آن را نظریه‌ای تمدنی به معنای دقیق کلمه در نظر گرفت؛ و منظورم از نظریه‌ی تمدنی، دستگاهی مفهومی است که بتواند به تمدن هم‌چون «موضوع» بنگرد و خوشه‌ای از پرسش‌ها را بر مبنای این موضوع طرح کند و پژوهش‌هایی روش‌مند را برای پاسخ‌گویی به آن سامان دهد.

1. Jóhann Páli Árnason

2. آرناسون، ۱۳۹۷: ۳۱۷.

3. Cornelius Castoriadis